

# مسئله اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی

مجید حسینی‌نثار

دانشجوی دکترای بررسی مسائل اجتماعی ایران  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

## مقدمه

«مسائل اجتماعی»<sup>۱</sup> از عمده‌ترین مباحث جامعه‌شناختی است که از اوایل قرن بیستم و به‌ویژه از دهه ۱۹۴۰ در آمریکا و سپس سایر کشورهای اروپایی اهمیت یافته و در پنج دهه اخیر نیز به تدریج اهمیت آن در کشورهای در حال توسعه شناخته شده است. تلاش جامعه‌شناسان در این حوزه بر آن است که به کمک نظریه‌های جامعه‌شناسی به تعریفی از مسئله اجتماعی دست یابند و تحلیلی از روند شکل‌گیری آن و نیز راه‌های مقابله با آن ارائه کنند.

بررسی پیدایش مسئله اجتماعی در جامعه ما و عوامل تأثیرگذار بر آن نیز یکی از موضوعات مورد توجه محققان است. عوامل گوناگونی ساختار جامعه ما را در چند دهه اخیر دگرگون کرده، به طوری که جامعه از حالت یک اجتماع سنتی به جامعه صنعتی و شهرنشین تبدیل شده است. عواملی مثل انقلاب، جنگ، نوسانات اقتصادی و سیاسی، تغییر در ارزش‌ها، رشد سریع جمعیت، طولانی شدن دوران جوانی، افزایش امید به زندگی، تحول در خانواده، مهاجرت‌های روستایی و رشد سریع شهرنشینی، کمبود مسکن و افزایش هزینه‌های زندگی از جمله عوامل مؤثر در این دگرگونی هستند. مجموعه این عوامل شرایطی را فراهم آورده است که در آن مسائلی از قبیل اعتیاد، جرم و جنایت، قتل، خودکشی، طلاق، فحشا و آلودگی محیط زیست در محیط‌های شهری در حال افزایش هستند و سلامت جامعه را به شدت تهدید می‌کنند.

این وضعیت در حالی وجود دارد که هنوز نهادهایی برای بررسی، برنامه‌ریزی و پیشگیری از مسائل مزبور در ایران به وجود نیامده یا کمتر به وجود آمده و پیمایش جامعی در مورد مسائل اجتماعی صورت نگرفته است. افزایش قابل توجه مسائل اجتماعی و هزینه‌های زیادی که در ابعاد متفاوت به جامعه تحمیل می‌کند، لزوم پرداختن به این‌گونه مسائل را آشکار می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** مسئله اجتماعی، آسیب اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، کنترل اجتماعی

## تعریف مسئله اجتماعی

امروزه اصطلاح «مسئله اجتماعی» در میان بخش‌های زیادی از مردم شناخته شده و از حالت یک اصطلاح علمی و آکادمیک خارج شده است. مردم عادی نیز در بحث‌های روزمره خود از مشکلات، نارسایی‌ها و نگرانی‌ها از اصطلاح «مسئله اجتماعی» استفاده می‌کنند. هر چند نوع استفاده و برداشتی که مردم از این اصطلاح دارند، با برداشت متخصصان متفاوت است.

امروزه مسائل اجتماعی با رویکردهای مختلفی تعریف می‌شوند. از بین تعاریف موجود، تعریفی که ویژگی‌های عمده مسئله اجتماعی را در جهان معاصر مطرح می‌کند، تعریف **هورتون ولزلی** است که سه ویژگی «عام بودن»، «ضرورت رفع مسئله» و نیز «اهمیت فرد یا سازمان در حل مشکل» از نکات مهم آن هستند. هورتون



وزلی مسئله اجتماعی را امری می‌داند که اولاً بخش قابل توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند؛ ثانیاً معتقد باشند که برای حل آن باید کاری کرد و ثالثاً بر این باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند. (ناطق پور، ۱۳۸۰: ۶۸)

**رابطه نیست** می‌گوید: «مسئله اجتماعی یک شیوه رفتاری است که توسط بخش اساسی نظام اجتماعی به تخلف از یک معیار یا به‌طور کلی، معیارهای پذیرفته شده بینجامد. هیچ شیوه‌ای از رفتار انسانی را نمی‌توان یک مشکل اجتماعی نامید، مگر اینکه درون نظم اجتماعی موجود، به‌وسیله افراد صاحب صلاحیت و دارای اعتبار به‌عنوان انحرافی نامطلوب از یک یا چند معیار مورد پذیرش، ارزیابی شود.» (نیست، ۱۳۶۷: ۳۱)

از نظر **پیلی ساک** و **پروچی**، مسائل اجتماعی «مسائلی تعریفی هستند که از سوی مردم یک جامعه و یا حافظان نظام به‌عنوان مسائلی مغایر با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و به‌عنوان شرایط نامطلوب و زیر استاندارد فرهنگی و حتی به‌عنوان موانعی در راه توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تعریف شده‌اند.» (۱۹۹۱: ۱۵)

مشکلات و مسائل اجتماعی به‌علت رابطه نزدیک با مضامین نهادی و قانونی، از دیگر مشکلات متمایزند. آن‌ها خصلت اجتماعی دارند و به علت اینکه به روابط انسانی مربوط‌اند، با زمینه‌های ارزشی که روابط انسانی در درون آن‌ها جاری هستند، پیوند دارند. این مشکلات گسیختگی در توقعات اجتماعی و امیال اخلاقی جامعه را نشان می‌دهند. از این رو در هر مسئله اجتماعی دو جنبه ذهنی و عینی نهفته است. یک مسئله تا زمانی که تعریف نشده، برای اعضای جامعه به‌عنوان مسئله اجتماعی مطرح نیست.

## تفاوت آسیب اجتماعی و مسئله اجتماعی

«آسیب اجتماعی» عبارت‌است از شرایطی در جامعه که فرد قادر نیست نیازهای خود را برآورده سازد و همچنین در تعاملش با دیگر انسان‌ها دچار مشکل می‌شود. این روابط به‌جای تأمین نیازها و تعادل فرد، او را درگیر نوعی عدم تعادل می‌کند. در واقع، بین آسیب اجتماعی و مسئله اجتماعی تفاوت وجود دارد. فرض بر این است که همه جوامع در همه شرایط اجتماعی درگیر آسیب‌ها هستند. امروز ما دیگر نمی‌توانیم جامعه کاملی را در نظر بگیریم که در آن آسیب وجود نداشته باشد. طبق مطالعه انسان‌شناسان، حتی در جوامع ابتدایی هم معمولاً آسیب‌های اجتماعی وجود داشته‌اند. اگرچه در مقیاس امروزی این آسیب‌ها گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند اما آسیب‌های اجتماعی جنبه‌های نازل مشکلات هر جامعه‌اند و فرض بر این است که می‌توان از طریق درمان اجتماعی آن‌ها را تا حدی کاهش داد. به همین دلیل هم به آن‌ها آسیب گفته شده است؛ چون مثل یک بیماری که فرد با آن مواجه می‌شود و به پزشک مراجعه می‌کند، آسیب‌ها هم عملاً جنبه‌های بیمارگونه جامعه هستند و باید جامعه‌شناسان و مشاورانی باشند که برای کاهش این آسیب‌ها راهکارهایی ارائه کنند. این راهکارها

در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی می‌تواند باعث کاهش آسیب و بهبود اجتماعی شود اما مسائل اجتماعی، جنبه‌های حاد آسیب‌ها هستند؛ زمانی که دیگر به شیوه‌های فردی و یا مشاوره‌های کوتاه قابل حل نیستند و برای مواجهه با آن‌ها به نوعی اجماع در میان جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و مدیران اجتماعی نیاز است.

مسائل اجتماعی آسیب‌هایی در جامعه هستند که از محدوده‌های نهادی خارج شده‌اند و تأثیر آن‌ها روی جامعه سایه افکنده است. چنین شرایطی، مثل زمانی است که جسم درگیر بیماری‌های پیچیده‌ای شده و این بیماری‌ها از طریق مراجعه به پزشک قابل درمان نیستند و حتی همه‌گیر شده‌اند و به اجماع پزشکان نیاز دارند. برای حل مسائل اجتماعی اقدامی جمعی ضروری عزم ملی و راهکارهایی در سطح کشوری هستند. (سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۹۲/۱۲/۱۷)

## معیارهای تعریف مسئله اجتماعی

میان چیزی که مردم آن را مسئله و مشکل اجتماعی می‌پندارند و تعریف جامعه‌شناختی آن، شباهت زیادی وجود دارد اما مفهوم تکنیکی مسئله اجتماعی بر معیارهایی برای شناخت مسئله اجتماعی تأکید دارد. **مرتون** این معیارها را ذکر می‌کند و شرحی برای هر یک بیان می‌دهد. در ضمن نقدهای خود را بر بعضی از این معیارها ارائه می‌دهد. معیارهای مسئله اجتماعی چنین‌اند:

۱. **اختلاف میان ارزش‌های اجتماعی و واقعیت اجتماعی:** معیار اول شناخت مسئله اجتماعی، اختلاف اساسی میان معیارها و ارزش‌های مشترک اجتماعی و شرایط واقعی زندگی اجتماعی است.

۲. **منشأ اجتماعی مسائل اجتماعی:** معیار دوم این است که مسئله اجتماعی باید منشأ اجتماعی داشته باشد. لذا حوادثی نظیر زمین‌لرزه، سیل، توفان، آتشفشان و شاید قحطی‌ها و بیماری‌های واگیردار که علت طبیعی دارند، با وجود تأثیر چشمگیر آن‌ها بر زندگی انسان در جامعه، مسئله اجتماعی قلمداد نمی‌شود.

۳. **قضاوت درباره مسئله اجتماعی از سوی اکثریت مردم:** سومین معیار برای شناخت مسئله اجتماعی این است که اکثریت مردم یا تعداد زیادی از آن‌ها، مسئله را مشکل قلمداد می‌کنند. مرتون درباره این معیار نیز نقدهایی دارد. اول، کسانی که قدرت را در دست دارند، عملاً تصمیم می‌گیرند که چه چیزی انحراف از معیارهای اجتماعی است و لذا بخش زیادی از آنچه نظر مردم تلقی می‌شود، نظر صاحبان قدرت است. دوم اینکه ممکن است آنچه برای یک گروه مسئله باشد، برای گروه دیگر مسئله نباشد و حتی مزیت باشد. در جوامع متمایز و پیچیده که تعداد گروه‌ها بسیار زیاد است، تنها بر سر معدودی از ارزش‌ها و فاق وجود دارد و در سایر موارد میان گروه‌ها و نظرات آن‌ها اختلاف مشاهده می‌شود. حتی از نظر بعضی صاحب‌نظران، پذیرش همه‌جانبه مسائل از سوی مردم و نداشتن مسئله اجتماعی، خود نشانه یک مسئله اجتماعی - [یعنی] بی‌تفاوتی عمومی - است. (جوادی یگانه، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۱)



شناخته شدن مسائل اجتماعی از سوی مردم، بعد ذهنی مسئله اجتماعی را تشکیل می‌دهد و محدود کردن مسئله اجتماعی به آن، باعث از دست دادن آن دسته از مسائل اجتماعی می‌شود که مردم آن‌ها را درک نمی‌کنند، ولی عملاً به علت اختلاف میان واقعیت اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی در یک زمینه مشخص - بعد عینی مسئله اجتماعی - می‌توان گفت که مسئله اجتماعی وجود دارد. نکته دیگری که در این باب اهمیت دارد، تفاوتی است که مرتون میان مسائل اجتماعی آشکار و پنهان قائل می‌شود. آن دسته از مسائل که با ارزش‌های جاری در تضادند لیکن معمولاً آن‌طور که باید شناخته نمی‌شوند، مسائل اجتماعی پنهان محسوب می‌شوند و آن‌ها که توسط مردم مسئله اجتماعی دانسته می‌شوند، مسئله اجتماعی آشکار هستند.

نکته بعدی این است که ادراک عمومی از مسائل اجتماعی، در مسائل اجتماعی آشکار و پنهان تفاوت دارد. توجه مردم به سوانح هوایی بسیار بیشتر از توجه به سوانح رانندگی است. هر چند میزان تلفات سوانح رانندگی چندین برابر حوادث هوایی است. بنابراین، ادراک عمومی نمی‌تواند معیاری مطمئن برای شناخت مسائل اجتماعی باشد. ادراک تحت‌تأثیر چیزی است که ما از توصیف آن بهتر برمی‌آییم تا تبیین آن. در مورد سوانح رانندگی نیز چنین است. ما حوادثی را مسئله می‌دانیم که بیشتر می‌توانیم آن‌ها را توصیف کنیم. (پیشین)

۴. **قابلیت اصلاح یا کنترل مسائل اجتماعی:** معیار دیگر برای شناخت مسائل اجتماعی این است که مردم معتقد باشند این مسائل قابل اصلاح هستند. البته این مسائل از نوع مسائل آشکارند و نه همه مسائل اجتماعی.

نکته قابل توجه این است که «جبرگرایی» و یا «اختیارگرایی» جامعه، بر میزان اعتقاد آن به اصلاح‌پذیری مسائل اجتماعی تأثیر دارد. در جوامع عمل‌گرا و اختیارگرا میزان مشکلات اجتماعی بیشتر است؛ زیرا مردم آن‌ها را قابل حل می‌دانند و لذا به چشم مشکل به آن‌ها نگاه می‌کنند. در گروه‌های مختلف جامعه نیز میزان جبرگرایی و عمل‌گرایی متفاوت است. (پیشین)

### طبقه‌بندی مسائل اجتماعی

مسائل اجتماعی را می‌توان بر اساس معیارها و ضوابط مختلف طبقه‌بندی کرد. **فارچایلد**<sup>۵</sup> طبقه‌بندی دوگانه‌ای از مسائل اجتماعی به‌دست می‌دهد. بدین ترتیب که یک دسته از مسائل اجتماعی منبث از نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌های مربوط به افراد، خانواده‌ها و گروه‌های کوچک هستند و دسته دیگر ناشی از کمبودها و ناهماهنگی‌های مربوط به ساختار



اجتماعی و عملکرد آن. سپس عنوان می‌کند که «اقدامات بهسازی در مسائل اجتماعی دسته اول، بیشتر از نوع اصلاح اجتماعی و حال آنکه در دسته دوم عمدتاً به صورت برنامه‌ریزی اجتماعی اند.» (میرزایی، ۱۳۸۰: ۱۵)

**هارولد فلپز** در کتاب «مسائل اجتماعی معاصر» مسائل اجتماعی ناشی از نواقص فردی و یا نارسایی‌های گروهی را بدین ترتیب طبقه‌بندی می‌کند:

• مسائل اجتماعی ناشی از اوضاع و احوال اقتصادی، مانند فقر، تکدی و بی‌کاری؛

• مسائل اجتماعی ناشی از ناراحتی‌های جسمانی مانند بیماری و معلولیت؛

• مسائل اجتماعی ناشی از ناراحتی‌های روانی، مانند امراض روحی، عقب‌ماندگی ذهنی، صرع، اختلال شخصیت و خودکشی؛

• مسائل اجتماعی ناشی از اوضاع و احوال فرهنگی، مانند طلاق، مسائل سالمندان، فرار از خانه، اختلالات نژادی و مذهبی، جرم و جنایت. (پیشین)

### رویکردهای جامعه‌شناختی در مورد مسائل اجتماعی

در جامعه‌شناسی دیدگاه‌های مختلفی در مورد مسئله اجتماعی وجود دارد؛ از قبیل: آسیب‌شناسی اجتماعی، تضاد و کنش متقابل که تحلیل‌های مختلفی از پیدایش و پیامدهای این مسائل ارائه می‌دهند. در سال‌های اخیر دیدگاه‌های جدیدتری با رویکرد پست مدرن در بررسی مسائل اجتماعی مطرح شده‌اند که به‌جای تأکید بر عوامل ساختاری و عینی، بر عوامل ذهنی و عنصر آگاهی و نسبیّت تأکید دارند.

«صاحب‌نظران کارکردگرا، با تأکید بر ایده نظم و هماهنگی کارکردی عناصر و مؤلفه‌های نظام اجتماعی، مسائل اجتماعی را کژکارکردهای خرده‌نظام‌های اجتماعی دانسته و آن‌ها را صرف‌نظر از تغییرات اساسی و بنیادی قابل حل می‌دانند. صاحب‌نظران دیدگاه تضاد، مسائل اجتماعی را زاییده عملکرد نامناسب نظام اجتماعی می‌دانند و برای حل آن‌ها به راه‌حل‌های رادیکال باور دارند. طرفداران کنش متقابل، ضمن مدنظر قرار دادن کنش متقابل افراد و گروه‌های انسانی، بر راه‌حل‌های میانه تأکید نموده‌اند.» (افشار کهن و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

#### ۱. دیدگاه عینی‌گرایان در مورد مسئله اجتماعی

منظور از عینیت، واقعی بودن، مشهود بودن و قابلیت اندازه‌گیری داشتن است. با این دید، مسئله اجتماعی به چیزی گفته می‌شود که بشود آن را دید؛ یعنی شرایط گسترده‌ای در محیط که قابل اندازه‌گیری باشد. مثلاً فقر از این دید، شرایط مردمی است که پول کافی برای زندگی معمولی ندارند. زمانی که متخصصان به این شیوه مسائل اجتماعی را مطالعه می‌کنند، بر شاخص‌های عینی شرایط و عوامل و پیامدهای مسائل اجتماعی تأکید می‌ورزند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: آمارهایی مانند تعداد اطفالی که از مادران

معتاد به دنیا آمده‌اند یا تعداد بچه‌هایی که قادر به خواندن نیستند. این شاخص‌ها را می‌توان در تقسیمات سنی، قومی و جنسی اندازه‌گیری کرد. (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶)

از نظر «عینی‌گرایان» این متخصصان هستند که عملاً می‌فهمند که یک مسئله اجتماعی وجود دارد. اگر شاخص‌ها حاکی از آن باشند که بحرانی وجود دارد، متخصصان مسائل اجتماعی چنین شرایطی را «مسئله اجتماعی پنهان» می‌نامند. در اینجا «پنهان» بدین معناست که حتی اگر عموم مردم آن را درک نکنند و نگران آن نباشند، مسئله وجود دارد. بر عکس، اگر عموم مردم شرایط را مسئله اجتماعی بنامند اما شاخص‌های عینی مؤید این مطلب نباشد، متخصص آن مسئله را غیرواقعی ارزیابی می‌کند و مسئله بودن آن را خطا می‌داند. از این نظر، مسائل اجتماعی درباره شرایط عینی هستند و عملاً مهم نیست که چگونه در مورد این شرایط عینی اندیشیده می‌شود. حتی اگر درکی درباره مسئله اجتماعی وجود نداشته باشد، به صرف آنکه شاخص‌های عینی مؤید مسئله‌ای باشند، ما با یک مسئله اجتماعی مواجه هستیم. متقابلاً اگر بسیاری از افراد جامعه معتقد باشند که مسئله‌ای وجود دارد اما برای اثبات آن مسئله، شاخص‌های عینی وجود نداشته باشد، ما با مسئله اجتماعی مواجه نیستیم.

**سی‌رایت میلز<sup>۱</sup>** هم معتقد است که مردم عادی به دلیل ضعف بینش جامعه‌شناختی، قادر نیستند بین مشکلات خرد و خصوصی خویش و مسائل اجتماعی عام تمیز قائل شوند. پس وظیفه جامعه‌شناسان این است که ریشه‌های ساختاری مسائل اساسی جامعه را که بخش قابل توجهی از مردم به آن‌ها مبتلا هستند و مانع توسعه خلاقیت و رشد استعدادهای آنان می‌شوند، با بینش تاریخی - تطبیقی و روش تجربی - عقلی دریابند و با ترویج بینش‌ها و یافته‌های جامعه‌شناختی، مردم را از موانع اساسی توسعه و تکامل حیات اجتماعی خویش آگاه سازند و آنان را در ساختن تاریخ و تکامل بخشیدن به حیات اجتماعی خود راهنمایی و یاری کنند. (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰)

## ۲. دیدگاه ذهنی‌گرایان در مورد مسئله اجتماعی

در این دیدگاه، مسائل اجتماعی مستقل از ذهن کارگزاران اجتماعی وجود ندارند. این کارگزاران اجتماعی هستند که مشکلی نه‌چندان مهم را در ذهنیت اجتماعی، بزرگ و مهم جلوه می‌دهند و یا برعکس، از کنار مشکلی گسترده به آسانی عبور می‌کنند. این دسته از دیدگاه‌ها به‌طور عمده به دو بخش تقسیم می‌شوند: یکی «دیدگاه برچسب‌زنی» و دیگری «دیدگاه سازه‌گرایانه».

به اعتقاد «ذهنی‌گرایان» دلیل اینکه مسائل اجتماعی را نمی‌توان به‌عنوان شرایطی عینی در محیط اجتماعی فهمید، این است که برای در نظر گرفتن و نامیدن چیزی به‌عنوان مسئله اجتماعی، قضاوت‌های اخلاقی الزامی هستند. از چنین قضاوت‌هایی نمی‌توان اجتناب کرد؛ زیرا در تعریف، مسئله اجتماعی عبارت از شرایطی است که مشکل‌زا شناخته می‌شود و به تغییر نیاز دارد. در اصطلاح،

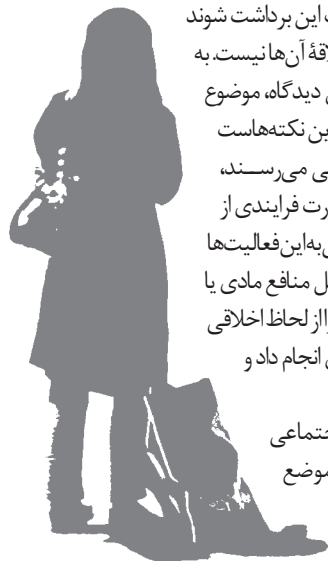
فرض بر این است که معیار اخلاقی امری عینی نیست. شاخص‌های عینی می‌توانند به ما بگویند که چه چیزی «هست» اما نمی‌توانند بگویند که چه چیزی غلط است. تقسیمات اجتماعی و اخلاقی این پرسش را برای ما مطرح می‌سازند که: «چه ارزش‌هایی باعث می‌شوند شرایط خاصی را غلط و نیازمند اصلاح بدانیم؟»

رویکردهای مسائل اجتماعی به‌عنوان شرایط عینی با این مطلب سروکار دارند که جهان چگونه هست. هنگامی که مسائل اجتماعی به‌عنوان شرایط عینی در محیط در نظر گرفته می‌شوند، ما به این سؤال‌ها می‌رسیم که چه چیزهایی موجب ایجاد این شرایط می‌شوند و برای جلوگیری از ضرر و زیان چه کاری باید انجام دهیم. اما در دیدگاه «سازه‌گرایانه اجتماعی» پرسش‌هایی مطرح هستند، مانند اینکه چرا ما از برخی چیزها نگرانیم، در حالی که این نگرانی را درباره چیزهای دیگر نداریم؟ ما چگونه به این شیوه‌ای که داریم انجام می‌دهیم، رسیده‌ایم؟ تعاریف ما از امور چه تفاوت‌هایی را موجب می‌شوند؟

**کیستوز و اسپکتور<sup>۲</sup>** مدعی‌اند که جامعه‌شناسان بیش از ۵۰ سال در مورد مسائل اجتماعی مطلب نوشته‌اند و به یک نظریه واقعی در مورد مسائل اجتماعی دست نیافته‌اند. بحث این دو بر فرایندی متمرکز است که طی آن، مردم بدون توجه به شرایط عینی، فکر می‌کنند چیزی که با رویکردهای دیگر تفاوت می‌کند، «مسئله اجتماعی» است. آن‌ها مجموعه سؤالاتی را مطرح می‌کنند که با رویکردهای دیگر متفاوت است؛ سؤالاتی مانند: بعضی از مردم چه چیزی را مسئله اجتماعی خواندند؟ چه شد که آن‌ها وضعیت مزبور را مسئله اجتماعی دانستند؟ دیگران در واکنش به این مفهوم‌سازی چه کردند؟ پیامدهای تعریف آن وضعیت به‌عنوان مسائل اجتماعی چه بود؟

کار اسپکتور و کیستوز ذهنی کردن کامل‌تر رویکرد «انگ‌زنی» است. آن‌ها مدعی‌اند که مسائل اجتماعی چیزهایی هستند که مردم فکر می‌کنند مسئله اجتماعی‌اند. شرایط عینی‌ای که ممکن است وجود داشته یا نداشته باشند و یا ممکن است به طریقی موجب این برداشت شوند که یک مسئله اجتماعی وجود دارد، اما مورد علاقه آن‌ها نیست. به همین دلیل نیز روی آن تأکید نمی‌شود. از این دیدگاه، موضوع واقعی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، کشف این نکته‌هاست که مردم چگونه به تعریفی از مسئله اجتماعی می‌رسند، چگونه شکایات، ادعاها و مطالبات خود را به‌صورت فرایندی از فعالیت‌های تعریف مسئله در می‌آورند و چه کسی به این فعالیت‌ها واکنش نشان می‌دهد. مردم ممکن است به دلیل منافع مادی یا اخلاقی تحت تأثیر قرار نگیرند ولی آن وضعیت را از لحاظ اخلاقی نادرست بدانند و احساس کنند که باید کاری انجام داد و اعتراض کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳)

رویکرد سازه‌گرایانه در بررسی مسائل اجتماعی از نارضایتی برخی جامعه‌شناسان از موضع مسلط عین‌گرا سرچشمه گرفته است. سازه‌گرایان مدعی‌اند که تعریف

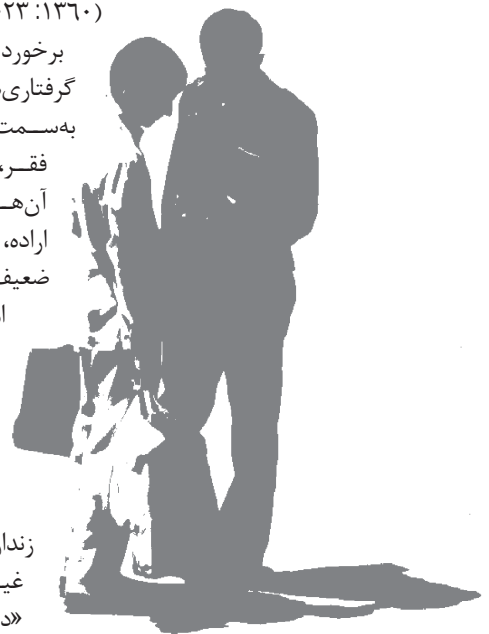


مسائل اجتماعی در چارچوب شرایط عینی در جامعه دو عیب دارد: یکی اینکه این واقعیت را نادیده می‌گیرند که معرفی شرایطی اجتماعی به‌عنوان مسئله اجتماعی، مستلزم داوری ذهنی است، و دیگر اینکه عین‌گرایی با انگ‌زنی به شرایطی به‌عنوان مسائل اجتماعی که وجه مشترک اندکی با یکدیگر دارند، نمی‌تواند بنیان نظریه‌های عمومی‌تر مسائل اجتماعی باشد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۳: ۲۵۲). هر مسئله اجتماعی باید به‌عنوان نوع خاصی از مسئله و یا نوع خاصی از علل بر ساخته شود. بر اساس سازه‌گرایی مطلق، جامعه‌شناس امتیاز خاصی در اقامه دعوا ندارد و صرفاً کنشگر دیگری است که تلاش می‌کند جهان اطراف خود را بشناسد.

### روش برخورد جامعه‌شناسی با مسائل اجتماعی و حل مسائل

سی‌رایت میلز معتقد است که باید در برخورد با مسائل اجتماعی بین «گرفتاری‌های شخصی»<sup>۸</sup> و «مشکلات عمومی»<sup>۹</sup> فرق عمده‌ای قائل شد. گرفتاری‌های خصوصی برای یک شخص و به‌عنوان حاصل یک تجربه محدود و مشخص پیش می‌آیند. این گرفتاری‌ها مسائلی شخصی‌اند که صبغه‌ای از خصوصیات منحصر به فرد دارند اما مسائل عام از حد فردی فراتر می‌روند و به ارزش‌های اجتماعی، که کلیه اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مربوط می‌شوند. در اینجا ساختمان اجتماعی که بر اساس این ارزش‌ها بنا شده، سبب مسائل اجتماعی معرفی شده و علاج آن‌ها نیز تغییر در همین ساختمان پیشنهاد شده است. میلز می‌گوید: جامعه‌شناسانی که با مسائل به‌عنوان گرفتاری‌های خصوصی برخورد می‌کنند، مرتکب اشتباه بزرگی می‌شوند. زیرا اصولاً کارکرد واقعی جامعه‌شناسی به‌کار بستن شیوه‌هایی است که مسائل اجتماعی را مشکلات عمومی می‌دانند. (۱۳۶۰: ۲۳-۴)

برخورد با مسائل اجتماعی به‌عنوان گرفتاری‌های خصوصی، شخص را به‌سمت این استنتاج می‌کشاند که فقر، خودکشی، جرم و مانند آن‌ها حاصل تنبلی، سستی اراده، عدم هم‌بستگی، شخصیت ضعیف و صفاتی نظیر آن‌هاست. اما دیدگاهی که به مشکلات به‌عنوان مسائل عمومی نگاه می‌کند، این‌گونه مسائل را حاصل تبعیضات قانونی، ساختار بیمار اقتصادی، نظام کنترل سرکوب‌کننده، زندان‌های غیرقابل تحمل و غیره می‌داند. گاهی صحبت از «دیدگاه استثنایی»<sup>۱۰</sup> در مقابل



«دیدگاه کلی»<sup>۱۱</sup> می‌شود. دیدگاه استثنایی یا جزئی، مسائل را به‌نحوی که انگار بین عده‌ای خاص از افراد و به‌صورت غیرقابل پیش‌بینی اتفاق می‌افتد، می‌بیند. مثلاً بعضی از اشخاص فقر اقلیت‌های مختلف شهری را حاصل تعلیم و تربیت ناکافی، بی‌سوادی و متلاشی شدن خانواده بین این گروه‌ها می‌دانند. این‌گونه افراد تصور می‌کنند، آنچه از این وضعیت حاصل می‌شود، انواع کج‌رفتاری‌های نامربوط به یکدیگر را شامل می‌شود.

از سوی دیگر، دیدگاه کلی یا جهانی مسائل را حاصل روابط متقابل اجتماعی ناقص و نامساوی در جامعه بزرگ‌تر می‌داند. به‌علاوه، بر آن است که رفتار انحرافی به‌وسیله اقدام عمومی قابل پیش‌بینی و پیشگیری است؛ یعنی دیدگاه کلی پیش‌بینی می‌کند که شرایط خاصی بعضی از افراد را به اعتیاد می‌کشاند. از این دیدگاه، نظام اصلاح‌شده آموزش و پرورش، و توسعه خدمات مورد نیاز عمومی (مانند کار یابی، وسایل حمل‌ونقل و وام‌های مفید اقتصادی) دایره فقر را می‌شکند و رفتار بهنجار را رونق و رفتار نابهنجار اجتماعی را کاهش می‌دهد.

واضح است که عمل کردن به طرح‌های دیدگاه استثنایی (جزئی) ساده‌تر است، اما این سادگی اعتبار آن را هم نفی نخواهد کرد. در حقیقت، هر دو روش جزئی و کلی در اوقات متفاوت مؤثر واقع می‌شوند. مثلاً به‌کار گرفتن امکانات درمانی و بهداشتی برای اشخاصی که از آبله رنج می‌برند (یا توسط آن تهدید می‌شوند)، روشی جزئی و استثنایی است. همچنین است اقدام‌هایی که گروه‌های ویژه کمک‌رسانی در مناطقی که سیل یا زلزله، ویرانی‌هایی به‌بار آورده است، انجام می‌دهند اما خرابی‌های ناشی از سیل و ویرانی‌های ناشی از زلزله و تلفات فراوان آن، بیشتر حاصل عدم آمادگی مقابله با این حوادث طبیعی از سوی مردم مناطق سیل‌زده و زلزله‌زده است. به همین دلایل پی‌گرفتن روش کلی جهت برخورد با چنین مسائلی ضرورت پیدا می‌کند. (میلز، ۱۳۶۰: ۳۱-۲۴)

میلز مثال‌های دیگری در خصوص اعمال روش کلی و عمومی در مورد مسائلی چون بیکاری، جنگ و متلاشی شدن خانواده ارائه می‌دهد. او می‌گوید اگر در یک شهر صد هزار نفری تنها یک نفر بیکار باشد، این یک مشکل شخصی و خصوصی است که می‌شود آن را با در نظر گرفتن خصوصیات آن فرد، و مهارت‌ها و امتیازاتی که دارد، بررسی کرد. در حالی که در جامعه‌ای با ۵۰ میلیون نفر شاغل، اگر ۱۵ میلیون نفر بیکار وجود داشته باشد، آنچه باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، سیستم اقتصادی-سیاسی آن جامعه است نه خصوصیات فردی اشخاص بیکار.

در مورد مسائل مربوط به ازدواج میلز می‌گوید: «یک مرد و زن ممکن است در زندگی زناشویی خود با گرفتاری‌های زیادی مواجه شوند. اما اگر نرخ طلاق در جامعه ۲۶ مورد برای



هر هزار نفر زن بین ۱۴ تا ۴۴ سال باشد، جامعه با یک مسئله اساسی اجتماعی درگیر است. در اینجا باید الگوهای ازدواج و ارتباط‌های متقابل بین خانواده و دیگر سازمان‌های اجتماعی عمده را بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. چنین روشی همان است که آن را **روش کلی جامعه‌شناسی می‌نامند**.» (پیشین)

در مجموع، مطالب ذکر شده در مورد جوانب مختلف مسئله اجتماعی، شامل مرجع تشخیص، منشأ پیدایش، انواع مسائل، رویکردها، راه‌حل‌ها و میزان توجه به آن‌ها را می‌توان به صورت جدول ۱ خلاصه کرد.

### جمع‌بندی

امروزه در جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی با رویکردهای متفاوتی تعریف می‌شوند و دامنه آن‌ها بسیار متنوع و پیچیده شده است؛ به طوری که رسیدن به توافق نظر را با مشکل همراه ساخته است. به ویژه اینکه مسائل اجتماعی جدید، مانند آلودگی‌های زیست‌محیطی و مانند آن‌ها، دیگر مسئله‌ای محدود به یک منطقه نیستند بلکه مسائلی جهانی تلقی می‌شوند و آثار و پیامدهای آن‌ها بسیار فراتر از زمان حاضر است. با وجود تفاوت نظر، ویژگی‌های مسائل اجتماعی عبارت‌اند از: اجتماعی بودن و عمومی بودن، جمعی و غیر فردی بودن، تاریخی بودن، واقعی بودن، بعد کیفی و ربط ارزشی داشتن، متغیر و نسبی بودن، تنوع و تکثر، قانون‌مند بودن، چند بعدی بودن و بین‌رشته‌ای بودن، قابل کنترل بودن. (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۲)

برخی مسائل به سبب نامطلوب بودن ذاتی آن‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرند، مانند قتل یا دزدی، و برخی مسائل به سبب پیامدهای ناگوارشان در معرض توجه هستند؛ مانند رشد جمعیت و یا تخریب محیط زیست.

### پی‌نوشت‌ها

1. Social problems
2. Robert Nisbet
3. pilisuk
4. Perrucci
5. Fairchild
6. C. wright Mills
7. Kitsuse and spector
8. personal Troubles
9. public Issues
10. Exception list viewpoint
11. Universalistic viewpoint

منابع

۱. آراسته‌خو، محمد. نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی. نشر گستر. تهران، ۱۳۶۹.
۲. افشار کهن، جواد و رسول صادقی. «تعامل جمعیت و نظام اجتماعی: رویکردی جامعه‌شناختی به مسئله جمعیت». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۲. زمستان. ۱۳۸۵.
۳. توسلی، غلامعباس؛ مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. مؤسسه چاپ و انتشارات، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۴. جوادی یگانه، محمدرضا؛ مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی (نقد و بررسی کتاب مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی رابرت مرتون). کتاب ماه علوم اجتماعی (۱۸). فروردین. ۱۳۷۸.
۵. رابینگتن، ارل و مارتین واینبرگ؛ رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران. ۱۳۸۳.
۶. صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی. جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. انتشارات آن، تهران، ۱۳۸۳.
۷. عبداللهی، محمد؛ آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران. انتشارات آگه؛ تهران، ۱۳۸۳.
۸. لوزیک، دانیلین؛ نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر. مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
۹. مرتن، رابرت؛ مشکلات اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناختی. ترجمه نوین تولایی. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۶.
۱۰. معیدفر، سعید؛ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران. انتشارات سرزمین ما، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. میلز، سی‌رایت؛ بینش جامعه‌شناسی، نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی. ترجمه عبدالمعبود انصاری، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۰.
۱۲. ناطق پور، محمدجواد؛ «اطلاع‌رسانی و مسائل اجتماعی». نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۶. ۱۳۸۰.
13. Hirschman, C(2005) "Population society: Historical Trends and Future prospects", The Handbook of Sociology, Sage Publications.
14. Perrucci, R, and pilisuk, M, (1991) Social problem in Depth, Boston: Little Brown and Company, Third Ed.
15. Preston S.H(1987) "The Social Sciences and Population Problems", Sociological Forum, vol2, No 4: 619-644.
16. WWW.isa.org. ir, 17/12/13921.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.danepiraire.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

جدول ۱.  
رویکردهای  
مختلف نسبت  
به مسئله  
اجتماعی و  
جوانب آن

انواع مسائل	منشأ پیدایش مسئله		مرجع تشخیص مسئله	
	طبیعی	نظام اجتماعی	افراد	نخبگان
اصلاحی				
اخلاقی				
رویکردها	میزان توجه به مسائل تابعی است از:			
کارکرد گرای	پایندهای بلندمدت، پیچیده و غیر قابل لمس آن‌ها	نتایج بلافصل، ملموس و فوری آن‌ها	کل‌گرایانه و یوتوپایی	جزء‌گرایانه و اصلاحی
تضادگرایی				
کنش متقابل گرای				
سازه‌گرایی				